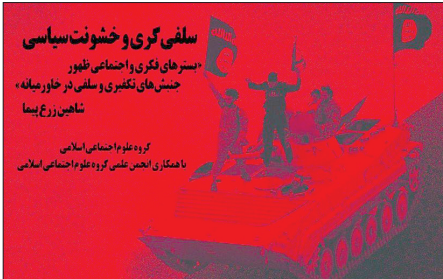




«سلفی‌گری و خشونت سیاسی» برگزار می‌شود

گروه علوم اجتماعی اسلامی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران نشست «سلفی‌گری و خشونت سیاسی» را برگزار می‌کند. در این نشست شاهین زرغ‌پیما سخنرانی می‌کند. این نشست امروز (۲۵ آبان) از ساعت ۱۲:۳۰ تا ۱۴ تا در سالن شهید مطهری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار می‌شود.



«تغییرات، چالش‌ها و آینده خانواده ایرانی» منتشر شد

کتاب «تغییرات، چالش‌ها و آینده خانواده ایرانی» نوشته تقی آزادارمکی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران به همت انتشارات تیسرا منتشر شد. در این کتاب سعی شده مباحث جامعه‌شناسی خانواده در بستر جامعه ایرانی مورد واکاوی قرار گرفته شود. این کتاب در ۳۲۰ صفحه و به مبلغ ۲۱۹۰۰ تومان چاپ و روانه بازار نشر شده است.



«دلایل عشق»

نقد و بررسی می‌شود

نشست هفتگی شهر کتاب امروز (۲۵ آبان) از ساعت ۱۶:۳۰ به نقد و بررسی کتاب «دلایل عشق» نوشته هری فرانکفورت با حضور مصطفی ملکیان، محسن جواد، مالک حسینی، ندا مسلمی و مریم هاشمیان اختصاص دارد. این نشست در مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر برگزار می‌شود.



«جنبش گولن»

منتشر شد

کتاب «جنبش گولن: تحلیلی جامعه‌شناختی از جنبشی مدنی که ریشه در اسلام میانه‌رو دارد» نوشته هلن رز ایساف با ترجمه فیروزه درشتی از سوی انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب منتشر شد. «اسلام و حکومت در تاریخ ترکیه»، «فتح‌الله گولن: زندگی، عقاید و جنبشی که به آن الهام می‌بخشد» و... از جمله بخش‌های این کتاب است.



امروز سالگرد درگذشت ستارخان است

سرنوشت تراژیک یک سردار

ستارخان و مجاهدان مسلح او بودند. زمانی که دموکرات‌ها با همکاری بختیاری‌ها توانستند مستوفی‌الممالک را به‌عنوان نخست‌وزیر تعیین کنند، او با پشتیبانی بیرم‌خان اعلام کرد همه افراد باید سلاح‌های خود را به پلیس محلی تحویل دهند. تقریباً همه طرفداران دموکرات‌ها از این فرمان پیروی کردند اما حدود ۳۰۰ تن از هواداران اعتدالیون به رهبری ستارخان و باقرخان سلاح‌های خود را تحویل ندادند و در بخش مرکزی شهر سنگربندی کردند.

پایان قشون مسلح ستارخان

ستارخان که حدود یک ماه قبل با استقبال گسترده وارد تهران شده بود، اکنون در شرایط سختی قرار داشت. ستارخان و باقرخان می‌نوید: «مجاهدان نمی‌خواستند پی کار خود روند و بسیاری از کار خود به یک‌بار درافتاده، اگر هم می‌خواستند نمی‌توانستند و اینان ناگزیر به نافرمانی برخاستند. از سوی دیگر دولت نخواست این قانون را دادگرنه به کار بندد؛ چون خود مستوفی رئیس‌الوزرا و بیشتر وزیران از دسته انقلابی بودند. چنانکه گفتم این دسته کینه چهار تن سردار را (ستارخان، باقرخان، ضرام‌السلطنه و معز‌السلطان) در دل داشتند. همچنین سردار اسعد که در همه کارها دست داشت از این چهار تن سخت خشمناک بود، به‌ویژه از ستارخان که از بس خشمناک بود زبان خود را نگه نمی‌داشت. همچنین فرمانفرما از ستارخان دل‌آزدگی داشت. بیرم‌خان هم که این زمان هم رئیس‌شهریانی تهران و هم سردار سپاه‌ها بود و نیروی بزرگی را در دست داشت با ستارخان و معز‌السلطان از در دشمنی برخاسته بود.» گویی با همین وصف کار باید برای ستارخان تمام می‌شد. ستارخان که به همراه نیروهایش در باغ اتابک سکنی داده شده بود، در مقابل نیروی پلیس بیرم‌خان و نیروی قیابلی بختیاری که بسیار پیشتر از نیروهای ستارخان بودند، بی‌درنگ منطقه را محاصره کردند. پایان ماجرا روشن بود. نیروهای ستارخان علاوه بر خلع سلاح شدن به معنای واقعی قلع و قمع شدند. در این میان آنچه برای خود ستارخان اتفاق افتاد سرنوشتی محنت‌انگیز و دردناک بود. ستارخان که در نبرد باغ اتابک از ناحیه زانو تیر خورده بود، چند سال بعد و از قضا بر اثر همین جراحت در ۲۵ آبان ۱۲۹۳ از دنیا رفت. داستان ستارخان ماجرای مردی بود که به شکلی عجیب در ماجراهای مشروطه وارد شد و همچون خود مشروطه با سرنوشتی تراژیک به پایان رسید.



مجسمه ستارخان در موزه مشروطه تبریز.

«دموکرات‌ها و اعتدالیون

با تشکیل «دوره مجلس دوم شورای ملی آنچه از بقیه مسائل آشکارتر خود را نشان می‌داد جناح‌بندی‌هایی درون این مجلس بود. تشکیل فرقه دموکرات توسط ۲۷ نفر از اصلاح‌طلبان با تشکیل فرقه اعتدالیون توسط ۵۳ نماینده محافظه کار پاسخ داده شد. رهبران دموکرات‌ها اعضای باقی‌مانده از اجتماعات رادیکال پیش از سال ۱۲۸۵، سیدحسین تقی‌زاده و محمد تربیت از گنج فنون تبریز، سلیمان اسکندری و محمدرضا مساوات از کمیته انقلابی تهران و حسین‌قلی‌خان نواب از همکاران ملکم در لندن و احتمالاً عضو مخفی مجمع آدمیت تهران بودند. تقریباً همه ۲۷ نفر از نواحی شمالی کشور بودند. در حالی که فرقه دموکرات سخنگوی طبقه روشنفکر جدید بود، فرقه اعتدال از اهداف اشرافیت زمین‌دار و طبقه متوسط سنتی پشتیبانی می‌کرد. قدرت این فرقه بیشتر بین روحانیون، تجار و صنعتگران نهفته بود. این در حالی بود که بیشتر بازاریان تحت نفوذ علمای سنتی از اعتدالیون پشتیبانی می‌کردند. اما آنچه این دو گروه را از هم دور کرد و باعث برخورد اجتناب‌ناپذیر آنان شد، از مذاکرات مجلس درباره اصلاحات غیردینی به جریان انتخاب نخست‌وزیر کشیده شد. اما یکی از اولین گروه‌هایی که دامن‌گیر این درگیری‌ها شد،



سجاد صدقات خبرنگار گروه اندیشه

اتفاق روز

مهدی گلشنی در سالروز درگذشت فیلسوف معاصر:

علامه جعفری جلوتر از زمان خود بود



علامه جعفری

رئیس گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف از مرحوم علامه جعفری به‌عنوان فیلسوفی یاد کرد که از نظر علمی و فلسفی از زمان خود جلوتر بود. مهدی گلشنی در مراسم بزرگداشت مقام علمی و معنوی علامه محمدتقی جعفری در بنیاد ملی نخبگان استان تهران گفت: «علامه جعفری مسائلی را درباره علم و فلسفه مطرح می‌کرد که در هیچ مرکز علمی مطرح نبود. او از پیشروان مسائل علمی و فلسفی بود.» عضو پیوسته فرهنگستان علوم در ابتدا به بیان مسائلی پیرامون تاریخچه رابطه علم و دین از نگاه اندیشمندان غربی در دوره‌های مختلف پرداخت و با اشاره به نظرات برتراند راسل، فیلسوف انگلیسی قرن بیستم بر این نکته تأکید کرد که در اوایل قرن بیستم تمام فیزیکدانان بر مشاهدات خود تکیه می‌کردند و اعتقادی به متافیزیک نداشتند. گلشنی افزود: «در نیمه دوم قرن بیستم تئورل‌هایی بر این اندیشه ایجاد شد و بعضی دانشمندان قبول کردند که در برخی کارها اصول ماورایی حاکم است.» مولف اثر قرآن و علوم طبیعت ادامه داد: «در سال ۱۹۶۶ مجله تایم تصویری را چاپ کرد که حکایت از کفر داشت ولی در سال ۱۹۸۰ تیرتی با عنوان «خدا برمی‌گردد» در این مجله نقش بسست و استدلال مجله این بود که فلاسفه به خدا بازمی‌گردند و گروهی از فیلسوفان خدا باور با هزاران عضو تشکیل شد و یکی از مهم‌ترین تحولات



آه‌زده روز

دهه ۸۰ همین مساله بود. گلشنی به تحولات اخیر در دانشگاه‌های غرب استناد کرد که بسیاری از مراکز علمی در جهان برای جمع‌بندی ابعاد فلسفی فیزیک و سایر علوم به‌ویژه کیهان‌شناسی گروه‌هایی را تشکیل دادند و تحولات بسیاری رخ داد که این تحولات در ایران انعکاسی نداشت. گلشنی نحوه آشنایی خود را با علامه جعفری مطالعه کتاب سه جلدی ارتباط انسان و جهان دانست و با ذکر ویژگی‌های علمی این کتاب گفت: «علامه در دهه ۳۰ گفت که هیچ دینی از انسان نمی‌خواهد طبیعت را نادیده بگیرد و در پی کشف عناصر نکوشد و اگر علم و فلسفه در خدمت دین قرار گیرد، به حیات معقول دست خواهیم یافت.» چهره ماندگار ملی افزود: «علامه جعفری معتقد بود علم تجربی نمی‌تواند همه سئوالات را پاسخ دهد و فقط یک جهان‌بینی جامع‌نگر می‌تواند پاسخگو باشد و دین می‌تواند با ارائه یک جهان‌بینی کمک کند.» او افزود: «اقلیتی از سرآمدان واقعی علم در زمان ما معتقدند باید یک دیدگاه در مورد علم و اخلاق و دین حاکم باشد ولی علامه جعفری اعتقاد داشت اصولی بر علوم حاکم و اکنون این سخنان بر زبان دانشمندان جاری است. الان همه قبول دارند که اصول کلی بر فیزیک حاکم است.» گلشنی اضافه کرد: «علامه در سال‌های ۱۳۳۳ تا ۳۵ به این مساله اشاره کرد که علوم از اصول و قضایای فلسفی بی‌نیاز نیستند و همه مسائل علمی از قواعد محض سرچشمه می‌گیرند، بنابراین حاصل این بررسی علامه را می‌توان در کتاب ارتباط انسان و جهان مطالعه کرد.»



مهدی گلشنی

نقد و نظر

در همایش «زن، کتاب، توسعه پایدار» مطرح شد

استفاده نکردن روشنفکران و نویسندگان از پتانسیل‌ها

همایش «زن، کتاب، توسعه پایدار» با حضور جمعی از مدیران نشر و فعالان فرهنگی در ساختمان آرشو ملی برگزار شد. بخشی از این همایش به میزگرد تخصصی با حضور مریم جلالی‌نایینی، عباس محمدی‌اصل، جامعه‌شناس جنسیت و سید قاسم یاحسینی اختصاص داشت. در ادامه مختصری از مهم‌ترین سخنان حاضران آمده است.

«میزان تولید علم در ایران یک صفحه است

میزان تولید علم در جهان ۴۰۰ هزار صفحه است، در حالی که این میزان در ایران یک صفحه است. اکنون شمارگان کتاب در ایران به کمتر از ۵۰۰ نسخه می‌رسد؛ مگر اینکه خرید حمایتی صورت گیرد. از ۳۰ سال گذشته تاکنون با جمعیتی ۱۹ میلیونی، پنج هزار شمارگان کتاب داشته‌ایم و اکنون باید ببینیم با جمعیت ۸۰ میلیونی چه میزان شمارگان کتاب داریم. حال باید دید آیا کتاب بخواندن در چنین شرایطی می‌تواند با نابرابری‌های جنسیتی در جامعه ارتباط داشته باشد. در پاسخ باید گفت در حالی که گذشته ما حاکی از رسوخ عناصر زنانه در تاریخ و تمدن است مانند اینکه بسیاری از مکان‌ها عناوین زنانه دارند و بسیاری از آداب و سنن زنانه هستند در مقابل در اجرای سیاست‌ها در سطح کشور تعارضی صورت می‌گیرد و همه چیز ضد زنان می‌شود.

«روشنفکران فمینیست در تولید اندیشه ناتوان بوده‌اند

جنبش زنان نتوانسته توده‌ای شود. این سوال مطرح است که زنان ما تا چه حد از توان خودشان در جامعه استفاده کرده‌اند. متأسفانه روشنفکران، محققان و نویسندگان نتوانسته‌اند از پتانسیل هایشان استفاده کنند و دلایل آن حاکمیت عمیق مردسالارانه در لایه‌های اجتماعی است. روشنفکران فمینیست ایرانی در زمینه تولید اندیشه ایرانی ناتوان بوده‌اند. جالب است که اتحادیه ناشران زنان هنوز تاریخچه‌ای از خودشان ندارند و ما حتی کتابی نداریم که بدانیم نخستین زن ناشر که بوده و با چه چالش‌هایی روبه‌رو بوده است. این مسائل را باید کجا خواند. در دوره رضاشاه، حروفچین زن در پوشهر داشتیم، اما جالب است در تمام کتاب‌های کارگری شانی از آن نیست.



قاسم یاحسینی استاد دانشگاه